

تحلیل جامعه‌شناختی وقوع رابطه‌ فرزندناشویی: ارائه یک نظریه‌ زمینه‌ ای

مجید فولادیان،* زهرا برادران کاشانی،** مرتضی دیاری***

کداریکد: ۶۰۰۶-۷۷۸۷-۰۰۰۲-۰۰۰۰

کداریکد: ۸۱۱۸-۶۸۹۷-۰۰۰۱-۰۰۰۰

کداریکد: ۲۶۹۳-۲۳۱۱-۰۰۰۲-۰۰۰۰

DOR: <http://dorl.net/dor/20.1001.1.24766933.1399.11.2.13.4>

چکیده

خانواده به عنوان یکی از مهمترین نهادهای جامعه، نقش مهمی در انسجام اجتماعی دارد؛ از این رو، هر گونه تغییر و دگرگونی در روابط اجتماعی، اقتصادی، عاطفی و جنسی میان زوجین می‌تواند نهاد خانواده را متأثر سازد. یکی از مهمترین این تغییرات و دگرگونی‌ها که چارچوب خانواده را متزلزل می‌سازد و آن را رو به اضمحلال می‌برد، رابطه‌ فرزندناشویی است. روابط فرزندناشویی به معنای نقض تعهد و اعتماد در رابطه‌ فرزندناشویی است که ابعاد و وجوه متعددی دارد و از آن جایی که بنیان خانواده را تهدید می‌کند؛ بررسی آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به این ترتیب، مطالعه‌ حاضر با رویکرد کیفی مبتنی بر نظریه‌ زمینه‌ای و تکنیک مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته و مسئله محور، به بررسی و شناخت فرایند بروز رابطه‌ فرزندناشویی پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان داد که گسست پیوندهای درون خانوادگی، جذابیت تجربه‌ عشق مدرن، اضمحلال هنجارهای سنتی، دریافت منع و اجبار در اعمال روزمره از سوی خانواده، دریافت آزادی عمل از سوی خانواده، سوء رفتار همسر، تحرک اجتماعی و تغییر معیارها در طی زمان و از بین رفتن تابوی پیشنهاد رابطه‌ فرزندناشویی از سوی مردان به زنان متأهل، از شرایط علی در بروز پدیده‌ تمایل به تجربه‌ عشق است. زنان و مردان درگیر در رابطه‌ مذکور در مقابل این پدیده راهبرد برقراری رابطه‌ فرزندناشویی را در پیش می‌گیرند، پیامدهای این راهبردها نیز، ناظر بر علنی سازی و جدایی و پنهان سازی و تداوم زندگی زناشویی است.

کلیدواژه‌ها: رابطه‌ فرزندناشویی، عشق مدرن، نظریه‌ زمینه‌ای، طلاق، زندگی زناشویی.

*دکتری جامعه‌شناسی و عضو هیات علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، (نویسنده‌ مسئول)
Fouladiyan@um.ac.ir

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد.

zahra.baradarankashani@mail.um.ac.ir

*** کارشناس ارشد برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی دانشگاه تهران

Mortezadayyaree@yahoo.com

این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان "بررسی عوامل مؤثر بر بروز روابط فرزندناشویی در بین متقاضیان طلاق مراجعه کننده به بهزیستی استان خراسان رضوی" به کارفرمایی اداره کل بهزیستی خراسان رضوی بوده است. بدین وسیله از همکاری اداره کل بهزیستی استان خراسان رضوی تشکر و قدردانی می‌شود.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۳۰

مسائل اجتماعی ایران، سال یازدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، صص ۱۷۷-۲۰۶

۱. مقدمه و بیان مسئله

ازدواج به مثابه یک قرار اجتماعی، نقطه آغازین زندگی زناشویی و شکل‌گیری نهاد خانواده است. تعهد نیز، به عنوان عنصر اصلی ازدواج، در دو بعد جنسی و عاطفی میان زن و مرد تعریف می‌شود. وجود روابط حمایت‌گرانه و متعهدانه در محیط خانواده، احساس مراقبت از سوی جنس مخالف، به نوعی توانایی‌های روحی و روانی زوجین را ارتقا می‌دهد (روس و میروسکی، ۱۹۹۹). یکی از مهم‌ترین عواملی که زندگی زناشویی زوجین را می‌تواند در آستانه فروپاشی قرار دهد، روابط فرازناشویی و یا برقراری رابطه عاطفی - جنسی با کسی خارج از رابطه دو نفره زن و شوهر، است.

روابط فرازناشویی در طیفی گسترده از بی‌وفایی جنسی، عاطفی، ترکیبی (عاطفی - جنسی) و مجازی (شامل رابطه جنسی تلفنی، گفتگوهای جنسی از طریق چت و مشاهده فیلم‌های پورن) شناخته شده‌اند. این روابط خارج از قرارداد اجتماعی ازدواج که ناظر به انحصار روابط جنسی و عاطفی میان زن و شوهر است، برقرار می‌شود (کریمی، علی‌زکی، محمدی و حق‌شناس، ۱۳۹۴؛ فتحی، فکرآزاد، غفاری و بوالهروی، ۱۳۹۱). بر این اساس، می‌توان گفت خیانت زناشویی نقض تعهد رابطه دو نفره است که به ایجاد صمیمت عاطفی و یا فیزیکی با فردی خارج از این رابطه دو طرفه، منجر می‌شود. به تعبیری روابط فرازناشویی آن موردی است که دقیقاً میزان تعهد در خانواده و بنیان زندگی زناشویی را تهدید می‌کند. بر اساس مطالعات انجام شده افراد با برقراری روابط فرازناشویی در صدد پر کردن خلأهای موجود در روابط زناشویی خود هستند (امینی‌ها، فرح‌بخش و اسمعیلی، ۱۳۹۴). نکته قابل توجه این است، تنها، افرادی که دچار کمبود در زندگی زناشویی‌شان هستند به سوی روابط مذکور نمی‌روند، بلکه کسانی که روابط زناشویی خوشایندی هم دارند ممکن است تحت تأثیر عواملی به سوی تجربه این روابط، سوق پیدا کنند (فتحی، فکرآزاد، غفاری و بوالهروی، ۱۳۹۲؛ حدادی، انصاری نژاد، آقاجانی و خالقی اصفهانی، ۱۳۹۵). بنابراین، به نظر می‌رسد که عوامل متعددی در ارتباط با هم قرار می‌گیرند و زمینه‌ساز پدیده روابط فرازناشویی می‌شود.

بر اساس تحقیقات صورت گرفته در این حوزه ۲۱ تا ۷۰ درصد زنان و ۲۶ تا ۷۵ درصد مردان در ایلات متحده آمریکا حداقل یک بار در طول زندگی مشترک‌شان به رابطه با فردی خارج از چارچوب ازدواج روی آورده‌اند (جمیفریو، ۲۰۰۹). در داخل کشور تاکنون، آمار دقیقی از وضعیت روابط فرازناشویی انتشار پیدا نکرده‌است، اما براساس نتایج تحقیقی از پانزده استان

کشور، خیانت در روابط زناشویی علت ۶۷ درصد از قتل‌های مردان به وسیله همسرانشان می‌باشد و ۳۳ درصد این مردان نیز با خشونت و تهدید همسر رو به رو هستند (اکبری، شفیع آبادی و هنرپروران، ۱۳۹۰). از سوی دیگر روند رو به رشد آمار طلاق در ایران، شاهد این امر است که میزان رضایت از زندگی زناشویی تا حد زیادی رو به کاهش است. بر اساس آخرین آمار منتشر شده از سوی مرکز آمار (۱۳۹۷)، میزان طلاق‌های ثبت شده در نقاط شهری حدود ۲۲ هزار و ۶۰ مورد بوده است. از این رو، مطالعات پیرامون ازدواج و شناخت دلایل فروپاشی و اضمحلال آن از اهمیت بسزایی برخوردار است.

بر اساس این مقدمه، بدون انجام مطالعات تبیینی جهت شناسایی عوامل شکل‌گیری روابط فرازنشویی در خانواده ایرانی، نمی‌توان فهم مؤثر و کارآمدی در خصوص پدیده مذکور داشت. در راستای فهم نقش عوامل فوق در بروز این آسیب اجتماعی که همواره قوام و دوام پیوندهای زناشویی را تهدید می‌کند؛ این مطالعه در نظر دارد با رویکرد کیفی به بررسی عوامل مؤثر بر این پدیده از نظر فردی که در رابطه فرازنشویی قرار گرفته است، بپردازد. آگاهی از عوامل شکل‌گیری روابط فرازنشویی در زوج متقاضی طلاق به تصمیم‌گیران این حوزه، در راستای شناخت بهتر وضعیت موجود در گام نخست و در گام بعدی برنامه‌ریزی مناسب در حوزه خانواده جهت بهبود وضعیت کمک خواهد کرد.

۱-۱. پیشینه تجربی

برخی از مطالعات، در حوزه روابط فرازنشویی، عوامل مؤثر بر این رابطه را بیشتر در حوزه فردی قرار می‌دهند. بخشی از این عوامل ناظر بر مشکلات شخصیتی- روانی هستند. تنوع طلبی، شخصیت هیجان‌خواه، نیاز به جلب توجه در زنان و اثبات مردانگی، مواردی هستند که موجبات برقراری روابط فرازنشویی را به خصوص، در دهه اول زندگی زناشویی درست زمانی که زن و مرد به لحاظ ظاهری و جسمی کاملاً جوان و شاداب هستند، فراهم می‌آورد. علاوه بر این، براساس مطالعات پیشین، اعتماد به نفس پایین، مشکلات شخصیتی و در نهایت پرخاشگری و روان‌پریشی می‌تواند زن و یا مرد را به سوی روابط فرازنشویی ترغیب کند. از یک سو ضعف اعتقادات و باورهای مذهبی و از سوی دیگر عدم التزام به احکام دینی و اخلاقیات و فقدان احساس گناه به معنای دینی آن، که می‌تواند به عنوان عامل بازدارنده افراد، از این گونه روابط عمل کند و احساس لذت از این روابط را کاهش دهد، نیز، بخش دیگری از عوامل مؤثر در بروز روابط فرازنشویی است (فتحی، فکر آزاد، غفاری و بوالهروی، ۱۳۹۲؛ شرف‌الدین و صالحی زاده، ۱۳۹۵؛ حدادی، انصاری نژاد، آقاجانی و خالقی اصفهانی، ۱۳۹۵؛ کرمی، زکی‌بی، محمدی و حق شناس، ۱۳۹۴؛ فینچام و می، ۲۰۱۷). بخش دیگری از عوامل فردی مؤثر بر رابطه فرازنشویی

نیز به موقعیت مالی مطلوب، شرایط ظاهری و فیزیکی، میل بالای جنسی، داشتن مهارت‌های ارتباطی، داشتن شغلی در ارتباط با جنس مخالف و تجربه رابطه عاطفی و جنسی با دیگری قبل از ازدواج اشاره دارد، که این عوامل نیز می‌تواند موجبات بروز رابطه فرازنشویی را در فرایند زندگی زوجین فراهم آورد (فتحی، فکر آزاد، غفاری و بوالهروی، ۱۳۹۲؛ ویگینس و دوریس، ۲۰۱۷؛ صادقی فسایی و ملکی پور، ۱۳۹۴؛ حبیبی عسگرآباد و حاجی حیدری، ۱۳۹۴).

بخش دیگری از عوامل تأثیرگذار بر بروز روابط فرازنشویی، مواردی است که در ارتباط با زندگی زناشویی و خانوادگی زوجین است. بر اساس تحقیقات، مسائل جنسی و جسمی، که ناظر بر نارضایتی کمی و کیفی از رابطه جنسی با همسر، عدم تمکین همسر در رابطه جنسی، ناتوانی جنسی، عقیم بودن، گرایش جنسی انحرافی، بیماری‌های مزمن جنسی و جسمی، سرد شدن زوجین نسبت به ظاهر یکدیگر، فاصله در رابطه و فقدان هرگونه جذابیت جنسی زن و مرد برای یکدیگر و در نهایت بی‌ضرر دانستن روابط خارج از ازدواج برای زندگی زناشویی است؛ می‌تواند از عوامل مؤثر بر بروز رابطه فرازنشویی باشد (حدادی، انصاری نژاد، آقاجانی و خالقی اصفهانی، ۱۳۹۵؛ فینچام و می، ۲۰۱۷؛ مارین، کیریستنس و اتکینس، ۲۰۱۴؛ ایدر و مردانی، ۱۳۹۵؛ نوواک، ویسفلد، اماموگیو و ویسفلد، ۲۰۱۴؛ حبیبی عسگرآباد و حاجی حیدری، ۱۳۹۴). از سوی دیگر، مسائل عاطفی - اقتصادی نیز در زندگی زناشویی که خلأ عاطفی، فقدان درک و همدلی در زندگی زناشویی، بی‌توجهی از سوی زوجین، مشکلات رفتاری همسر همراه با خشونت کلامی و فیزیکی، عدم احساس خوشبختی و در نهایت برطرف نشدن نیاز اقتصادی از سوی همسر نمونه‌هایی از آن است؛ می‌تواند یکی از زوجین را به سوی روابط فرازنشویی ترغیب کند. همچنین کسانی که فضایی پر تنش را در خانواده تجربه کرده‌اند و سبک تربیتی ناایمنی داشته‌اند و در خانواده‌ای بزرگ شده‌اند که در آن تجربه آزار جنسی، طلاق والدین، اعتیاد والدین و مشاجره، بین والدین وجود داشته به مراتب ممکن است بیشتر از دیگران بعد از ازدواج در این گونه روابط قرار بگیرند. علاوه بر موارد اخیر، ازدواج‌های نامناسب که با اختلاف سنی زیاد، اختلاف طبقاتی و فرهنگی صورت می‌گیرد و از سوی دیگر ازدواج‌های تحمیلی، مصلحتی و بدون علاقه و شناخت نیز می‌تواند به روابط این چنینی منجر شود (فتحی، فکر آزاد، غفاری و بوالهروی، ۱۳۹۲؛ ویگینس و دوریس، ۲۰۱۷؛ صادقی فسایی و ملکی پور، ۱۳۹۴؛ حبیبی عسگرآباد و حاجی حیدری، ۱۳۹۴).

عوامل اجتماعی مؤثر در بروز روابط فرازنشویی نیز ناظر بر تأثیر رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی بوده است، در واقع رسانه‌ها کاملاً در راستای تسهیل رابطه با جنس مخالف عمل می‌کنند. وجود اینترنت و ماهواره از سوی دیگر، و به تبع آن دیدن فیلم‌های پورن و روابط

جنسی غیر واقعی و غیر بهداشتی و آزادی‌های کاذب در روابط زوجین با جنس مخالفان، همگی می‌توانند از مواردی باشند که زوجین را به داشتن رابطه فرازنشویی ترغیب کنند (فتحی، فکر آزاد، غفاری و بواله‌ری، ۱۳۹۲؛ حدادی، انصاری نژاد، آقاجانی و خالقی اصفهانی، ۱۳۹۵؛ فینچام و می، ۲۰۱۷؛ ایدر و مردانی، ۱۳۹۵). همچنین از یک سو، صرف نظر کردن از انجام طلاق به دلیل دشواری‌های مراحل آن و از سوی دیگر به دلیل سرزنش‌های دیگران و وجود فرزندان می‌تواند امکان بروز روابط فرازنشویی را فراهم بیاورد. زنان نیز بعد مطلع شدن از داشتن این رابطه از سوی همسر به دلیل ترس از دست دادن آبرو، وابستگی مالی به همسر و فقدان خانواده حمایت‌گر و نداشتن حق طلاق معمولاً از جدایی رسمی، اجتناب می‌کنند (فتحی، فکر آزاد، غفاری و بواله‌ری، ۱۳۹۲؛ حدادی، انصاری نژاد، آقاجانی و خالقی اصفهانی، ۱۳۹۵). این در حالی است که وجود قوانینی؛ مانند قانون تعدد زوجات و صیغه برای مردان می‌تواند از عوامل اجتماعی تسهیل‌گر روابط زنشویی باشد (حدادی، انصاری نژاد، آقاجانی و خالقی اصفهانی، ۱۳۹۵؛ شرف‌الدین و صالحی زاده، ۱۳۹۵). مطالعات انجام شده، عموماً بر عوامل فردی، روانی، اجتماعی و خانوادگی ناظر بر پدیده رابطه فرازنشویی پرداخته‌اند، اما مطالعه حاضر با توجه به چند سطحی بودن پدیده مذکور، در نظر دارد با رویکردی کیفی و مبتنی بر نظریه زمینه‌ای، به بررسی شرایط علی، مداخله‌گر و زمینه‌ای ناظر بر پدیده رابطه فرازنشویی بپردازد و با نگاهی چند سطحی، ورای تقسیم‌بندی‌های فردی، روانی، اجتماعی و خانوادگی، عوامل مؤثر بر رابطه فرازنشویی را شناسایی کرده و تصویری روشن در تمام ابعاد از پدیده رابطه فرازنشویی را ارائه کند.

۲. مبانی نظری

خانواده و زندگی زنشویی به عنوان یک نیروی هنجاری جامعه، نقش مهمی در تقویت پیوند اعضای جامعه و انسجام اجتماعی آنان دارد؛ بنابراین، هر گونه تغییر و دگرگونی در ساختار آن مناقشه برانگیز خواهد بود. این تغییرات و دگرگونی‌ها اگر در جوامع سنتی که در فرایند مدرنیزاسیون و گذار از سنت به مدرنیته قرار دارند، رخ بدهد؛ چنانچه همسو با قواعد و چارچوب‌های زنشویی نباشد، هنجارهایی که ناهماهنگ و نامتجانس با الگوهای سنتی هستند به وجود می‌آید و نتیجه آن نه تنها تغییرات مثبت و زمینه‌ساز بهبود و توسعه نیست (آزادارمکی و شکوری، ۱۳۸۱)، بلکه می‌تواند شرایطی را ایجاد کند که خانواده رو به اضمحلال برود. بنابراین، مدرنیته و قرارگیری کشورها در فرایند جهانی شدن، مقدمه‌ای برای انقطاع از

گذشته و ورود به دنیایی جدید است. در واقع مدرنیته هرگونه، استمرار یا تداوم تاریخی را نفی می‌کند (محقق نسب و ناظمی، ۱۳۹۵). امر جهانی شدن دو بعد دارد، یک بعد آن فرصت‌های بی‌شماری را برای مردم جهان به ارمغان می‌آورد و بعد دیگر آن رو به سیاهی است که می‌تواند مردم جوامع مختلف را با چالش‌های مختلفی رو به‌رو کند. بر این اساس، جهانی شدن می‌تواند بر تمام وجوه زندگی مردم نفوذ کند و روابط شخصی آنان را تحت تأثیر قرار دهد. اساس روابط بین شخصی در دوره مدرنیته برپایه وفاداری و درستی است و مهم‌ترین دگرگونی‌ها در فرایند جهانی شدن و مدرنیته در روابط بین شخصی ایجاد شده‌است (ایدرو و مردانی، ۱۳۹۵).

با ورود ایران به مرحله جهانی شدن، خانواده ایرانی دچار تحولات ناشی از مدرنیته و پیامدهای ناخواسته آن شد، زیرا از یک سو هنوز برخی از هنجارهای الگوی سنتی خانواده که ناهماهنگ با شرایط جدید است، وجود دارد و از سوی دیگر خانواده ایرانی تحولات عظیمی را از نظر ابعاد، سرعت تغییرات و نوع تغییرات تجربه می‌کند (میرمحمد رضایی، ساروخانی و سرایی، ۱۳۹۵). گیدنز در باب تحول و دگرگونی و تغییر شکل خانواده در عصر مدرن و فرایند جهانی شدن، براین باور است که امروزه ترکیب خانواده سنتی تغییر کرده و نقش‌های ثابت زن و مرد در این نهاد دچار تحولات بسیار زیادی شده‌است. ارزشمند دانستن فرزندان، تحول نقش‌های زن و شوهری، موقعیت در حال تغییر زنان و موازنه قدرت آنان با مردان، حضور گسترده زنان شاغل در زندگی اجتماعی، تغییر و تنوع شکل‌های ازدواج، تأخیر در ازدواج، کاهش فرزندآوری، ظهور الگوهای جدید روابط جنسی و آزادی‌های جنسی و به تبع آن رابطه با جنس مخالف و دموکراسی عاطفی، که پایه آن ارتباط و اعتماد میان زن و شوهر است، از مهم‌ترین دگرگونی‌های خانواده در عصر مدرنیته است (گیدنز، ۱۳۸۲؛ ۹۶: ۱۳۸۴-۹۸).

دگرگونی‌های عصر مدرنیته حالتی از بی‌هنجاری را در جامعه مدرن ایجاد کرده‌است. حالتی از بی‌هنجاری موجود در جوامع مدرن که در آن هنجارهای قدیم از اعتبار افتاده‌اند و هنجارهای جدید نیز شکل نگرفته‌اند. به تعبیر مرتون، از یک سو، می‌تواند نوآوری، اصلاح خواهی اجتماعی به وجود آورد و از سوی دیگر می‌تواند طغیان و ناهم‌نوایی به بار آورد (بیرو، ۱۳۸۰: ۱۶). بر این اساس وضعیت بی‌هنجاری که دورکیم آن را احساس فقدان التزام اجتماعی به قوانین و هنجارها و قواعد به وجود آمده در جامعه می‌داند (موریسن، ۲۰۰۶: ۱۸۷)، زمانی که بر روابط فی‌مابین زنان و مردان در جامعه در حال گذار از سنت به مدرنیته حاکم شود (مراجعة کنید به جوادی و دیگران، ۱۳۹۲)، تغییرات و دگرگونی‌هایی بی‌شماری را در این روابط ایجاد می‌کند. این دگرگونی‌ها که در سال‌های اخیر تحت تأثیر ورود مدرنیته به ایران و قرار گرفتن در فرایند جهانی شدن در ساختار خانواده بیشتر مشاهده می‌شود، تغییر در الگوی روابط جنسی، آزادی‌های جنسی و رابطه با جنس مخالف و مواردی از این قبیل را شامل

می‌شود. بر این اساس هرگونه رابطه‌ای خارج از چارچوب تنظیم شده در زندگی زنشویی، می‌تواند دموکراسی عاطفی را برهم بزند و اعتماد را از بین ببرد و زندگی زنشویی که یکی از مشخصه‌های آن در دوره مدرن آزادی‌های جنسی از یک سوی و از سوی دیگر اهمیت اعتماد و وفاداری است، از هم فرو بپاشد.

اعتماد در جامعه مدرن که افراد با موقعیت‌های مبهم و پیچیده‌ای در آن رو به‌رو هستند، به عنوان ویژگی مهم روابط اجتماعی، به کاهش پیچیدگی ذهنی کمک می‌کند و به افراد این اجازه را می‌دهد تا خود را با موقعیت‌های مبهم هماهنگ کنند (کمالی و اسکندری، ۱۳۹۰). بر این اساس می‌توان گفت که اعتماد بین افراد حاصل روابط مستقیم و چهره به چهره میان اعضای جامعه است، که محدودترین شعاع آن مربوط به اعتماد میان اعضای خانواده، و افرادی که آنان را می‌شناسیم و با آنان تماس رو در رو داریم، است. این اعتماد اگر خدشه‌دار شود، می‌تواند زندگی زوجین را از هم بپاشد. پس به طور کلی هرچه افراد با هم بیشتر آشنا شوند، احتمال این که به یکدیگر اعتماد کنند به مراتب بیشتر است، علاوه بر این، برقراری این روابط و تعاملات زمینه رشد عواطف را در میان افراد ایجاد می‌کند و هرچه این عواطف بیشتر رشد کند، اعتماد تقویت خواهد شد (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۰۱). از منظر گیدنز اعتماد به اشخاص مختلف به دریافت نشانه‌هایی از صداقت دیگران نیاز دارد که در هر کنش، دو طرف یک رابطه در جستجوی این نشانه‌ها هستند (گیدنز، ۱۳۸۰: ۱۰۳-۱۰۵).

بر این اساس در روابط میان زوجین زمانی که یکی از زوجین یا هر دو، رابطه عاطفی-احساسی، خارج از چارچوب رابطه زنشویی با دیگری برقرار کنند، اعتماد بین شخصی، وفاداری و اطمینان خدشه‌دار می‌شود و به تبع آن رضایت زنشویی کاهش می‌یابد و فاصله در روابط زوجین ایجاد می‌شود. این فرایند تا جایی پیش می‌رود که زندگی زنشویی به جدایی می‌رسد. در چنین وضعیتی مبتنی بر نظریه انتخاب عاقلانه از آن جایی که کنشگران اجتماعی عموماً به دنبال بیشینه کردن سود خود و کسب حداکثر فایده هستند، در شقوق ممکن و مبتنی بر عواقب آن شقوق، شقی را بر می‌گزینند که برای رسیدن غایاتشان بهترین راه باشد (لیتل، ۱۳۷۳: ۶۹؛ کلمن، ۱۳۷۷: ۳۲)، به دلیل این که کارکردهای اصلی خانواده نظیر اعتماد، نیازهای جنسی، دریافت حس پشتیبانی و حمایت عاطفی، تأمین نمی‌شود، انسجام خانواده از میان رفته و خانواده نیز رو به اضمحلال خواهد رفت، زیرا بقای خانواده به تأمین همین کارکردها بستگی دارد.

در مجموع یکی از مهم‌ترین تغییرات و دگرگونی‌هایی که در سال‌های اخیر تحت تأثیر ورود مدرنیته به ایران و قرار گرفتن در فرایند جهانی شدن در ساختار خانواده ایجاد شده‌است، تغییر در الگوی روابط جنسی، آزادی‌های جنسی و رابطه با جنس مخالف و مواردی از این قبیل است.

بر این اساس زمانی که یکی از زوجین یا هردو، رابطه عاطفی - احساسی، خارج از چارچوب رابطه زناشویی با دیگری برقرار کنند، اعتماد بین شخصی، وفادری و اطمینان خدشه‌دار می‌شود و به تبع آن رضایت زناشویی کاهش می‌یابد و فاصله در روابط زوجین ایجاد می‌شود، این تا جایی پیش می‌رود که زندگی زناشویی به جدایی می‌رسد. براین اساس مجموعه‌ای پیچیده از شرایط و عوامل مختلف در زندگی زناشویی در یک فرایند منجر به بی‌وفایی زناشویی از سوی یکی از زوجین یا هردو می‌شود، از این رو برای دستیابی به دریافت منسجم و قابل درکی از پدیده روابط فرازناشویی، بررسی شروط ناظر بر این پدیده و راهبردهای عاملان اجتماعی در برخورد با پدیده مذکور و پیامدهای ناظر بر هر راهبرد دارای اهمیت است.

۳. روش شناسی

این پژوهش با پارادایم تفسیری، استراتژی استقرایی، رویکرد کیفی و روش نظریه زمینه‌ای، نسبت به مسئله تحقیق در میان زنان و مردان متقاضی طلاق مراجعه کننده به سازمان بهزیستی خراسان رضوی انجام شده است. زنان و مردان متقاضی طلاق که از یک سو بعد از ازدواج، روابط عاطفی یا جنسی با فرد دیگری خارج از چارچوب رابطه زناشویی برقرار کرده‌اند و از سوی دیگر برای دریافت مشاوره به سازمان بهزیستی خراسان رضوی مراجعاتی داشته‌اند. با توجه به کیفی بودن تحقیق حجم نمونه از قبل تعیین نشد، بلکه در فرآیند جمع‌آوری اطلاعات با رسیدن به درجه اشباع مشخص شد (استراس و کربین، ۱۳۹۲: ۱۶۵). در بررسی روابط فرازناشویی در میان زوجینی که رابطه فرازناشویی را تجربه کرده‌اند، راهبرد "نمونه‌گیری با تکنیک‌های هدفمند چندگانه" استفاده شد، در این نوع نمونه‌گیری محقق به ترکیب بیش از یک راهبرد نمونه‌گیری پرداخته است (محمدپور، ۱۳۹۰: ۴۵).

جهت یافتن نمونه در این پژوهش، به سازمان بهزیستی مراجعه شد و با ۱۲ زن و ۵ مرد که متقاضی طلاق بودند و علت اصلی جداییشان را رابطه فرازناشویی ذکر کرده بودند، مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختاریافته انجام شد. زنانی که در این رابطه قرار گرفته بودند، در بازه سنی ۲۲ تا ۴۵ سال قرار داشتند و حداقل ۳ سال و حداکثر ۱۰ سال از ازدواج آنان گذشته بود و مردان مشارکت کننده نیز در سنین ۲۶ تا ۳۸ سال قرار داشته و حداقل ۲ سال و حداکثر ۷ سال از رابطه زناشویی آنان می‌گذشت. روش مصاحبه‌ای که در این پژوهش اتخاذ شد، مصاحبه مسئله-محور بود که توسط ویتزل مطرح شده‌است. این روش شامل پیشنهاداتی برای صورت بندی پرسش‌ها و نحوه کندوکاو در حین مصاحبه است، به‌ویژه با استفاده از راهنمای مصاحبه که

حاوی سؤال‌ها و محرک‌های شفاهی می‌باشد (فلیک، ۱۳۹۲: ۱۷۹). همچنین در این مطالعه جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از تکنیک تحلیل مقایسه مداوم استراس و کوربین (۱۹۹۴) و نظام کدگذاری شامل سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی در نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. این روش با مطالعه‌ای بنیادین پیرامون موضوع تحقیق آغاز شده و با تحلیل و نظریه‌ای مستخرج از مقایسه مداوم داده‌ها به اتمام رسید (چارماز و لیسکا، ۲۰۱۵؛ چارماز و هن وود، ۲۰۰۷).

برای اعتبار بخشی به فرآیند و نتایج تحقیق به طور کلی تلاش محققان آن بوده است که گام‌های انجام شده در مصاحبه و تحلیل منطبق بر توصیه‌های روش شناختی این حوزه در منابع معتبر باشد. برای ارزیابی موفقیت محققان در این حوزه به ملاک‌های هفت‌گانه استراوس و کوربین (۱۳۹۲: ۲۸۵)، در بررسی یک تحقیق نظریه زمینه‌ای ارجاع داده شده است که بر مبنای آن از جمله: فرآیند نمونه‌گیری با تفصیل توضیح داده شده است؛ مقوله‌های اصلی ظهور یافته در تحقیق در بخش یافته‌ها بیان شده‌اند؛ رویدادها، وقایع و کنش‌هایی که به مقوله‌های ظهور یافته مرتبط هستند تا حد امکان در قالب شواهدی برای هر مقوله آورده شده است؛ در پیشبرد نمونه‌گیری نظری توجه محقق بر حرکت در جهت شفاف‌تر شدن راهبردهای اتخاذ شده از سوی کنشگران مورد مطالعه و پیامدهای حاصل از این راهبردها بوده است؛ در انتهای بخش یافته‌ها مدلی ارائه شده است که روابط میان مقولات را روشن می‌کند؛ و نهایتاً مقوله هسته‌ای در فرآیند مباحثه میان محققان و بازاندیشی در متن در فرایندی تدریجی و در عین حال بدون ابهام یا مانع جدی ساخته شد.

جدول (۱-۳) مشخصات مشارکت کنندگان

نام ^۱	سن	وضعیت اشتغال	وضعیت رابطه فرازناشویی
ستاره	۳۰	خانه دار	تداوم رابطه
شکوه	۳۱	خانه دار	قطع رابطه
محدثه	۲۴	خانه دار	-----
مهلا	۲۹	شاغل / دولتی	تداوم رابطه
مهتاب	۳۲	خانه دار	تداوم رابطه
سمیه	۲۰	خانه دار	تداوم رابطه
مریم	۲۲	خانه دار	تداوم رابطه
مژگان	۳۴	خانه دار	تداوم رابطه
مژده	۲۲	خانه دار	-----
شیوا	۳۰	شاغل / دولتی	تداوم رابطه
ستایش	۱۸	خانه دار	تداوم رابطه
سودابه	۴۵	شاغل / آزاد	تداوم رابطه
علی	۳۲	شاغل / دولتی	قطع رابطه
ساسان	۳۸	شاغل / دولتی	تداوم رابطه
مرتیضی	۲۶	شاغل / دولتی	تداوم رابطه
امیر	۳۰	شاغل / دولتی	تداوم رابطه
سروش	۳۴	شاغل / آزاد	تداوم رابطه

ع. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش بعد از جمع‌آوری و پیاده‌سازی به وسیله نرم افزار maxqda کدگذاری شدند و در نهایت ۱۳ مقوله محوری و یک مقوله مرکزی به دست آمد (شکل شماره ۴-۱). در راستای تبیین و توضیح مقوله مرکزی "تمایل به تجربه عشق" شرایط علی، مداخله‌گر، زمینه-ای، راهبردها و پیامدهای ناظر بر آن و مدل پارادایمی متشکر از موارد ذکر شده، شرح داده خواهد شد.

ع-۱. شرایط علی

بروز شرایطی از قبیل گسست پیوندهای عاطفی در خانواده پدری، لزوم پنهان‌سازی روابط عاشقانه، تجارب ناموفق پیش از ازدواج و فقدان رابطه عاطفی و جنسی متعادل با همسر سبب-ساز و منجر به وقوع و یا گسترش پدیده مرکزی این مطالعه "تمایل به تجربه عشق" خواهد شد.

^۱ برای حفظ ناشناس ماندن شرکت کنندگان در این مطالعه، از اسامی مستعار استفاده شده‌است.

تحلیل جامعه‌شناختی وقوع رابطه فرازنشویی: ارائه یک نظریه زمینه‌ای

جدول (۴-۱) مقولات ناظر بر شرایط علی

مقولات محوری	مقولات فرعی / کدگذاری باز سطح دوم
گسست پیوندهای عاطفی در خانواده پدری	روابط غیر عاطفی والدین با یکدیگر، فقدان وابستگی عاطفی عمیق فرزندان به والدین، تجربه طلاق در خانواده پدری، القای احساس بی‌اهمیتی نسبت به فرزند، تجربه مشاجره و دعوا در خانواده، طلاق عاطفی والدین، فوت والدین
لزوم پنهان‌سازی روابط عاشقانه و تجربه روابط عاطفی ناموفق قبل از ازدواج	پنهان کردن روابط عاشقانه از والدین؛ تجربه روابط عاطفی ناموفق قبل از ازدواج؛ شکست در روابط عاطفی
۲. فقدان رابطه عاطفی و جنسی متعادل با همسر	۱. پیوند عاطفی ضعیف با همسر، روابط جنسی غیر عاطفی، عدم تمایل به روابط جنسی با همسر، خود محوری در روابط جنسی، تمایل به اشکال نا به هنجار رابطه جنسی، تمایل زوجین به دیدن فیلم‌های پورن

۴-۱-۱. گسست پیوندهای عاطفی در خانواده پدری

مشکلات مالی موجود در خانواده، تفاوت نسلی والدین با فرزندان و تفاوت علایق آنان، برتر دانستن یک فرزند نسبت به سایر فرزندان، القای احساس بی‌اهمیتی نسبت به فرزند از سوی والدین، فوت والدین و در نهایت وجود برخی از آسیب‌های اجتماعی (نظیر طلاق، اعتیاد، رابطه فرازنشویی) در خانواده می‌تواند به نوعی ایجاد کننده شرایطی نابسامان و آشفته در محیط خانوادگی بشود. این شرایط نابسامان خانوادگی که به نوعی موجبات گسست پیوندهای عاطفی میان پدر و مادر که به صورت طلاق عاطفی و یا طلاق واقعی بروز می‌کند، مشاجره و دعوا در خانواده (میان والدین و یا میان فرزندان)، گسست پیوندهای عاطفی والدین با فرزندان و به طور کلی گسست روابط و پیوندهای درون خانوادگی را فراهم می‌آورد. از این رو خلأ عاطفی در فضای درون خانوادگی و اعضای خانواده به خصوص فرزندان نهادینه شده و این خلأ جایگذاری شده در بطن خانواده و اعضای آن خود را در روابط زناشویی فرزندان در بزرگسالی به شکل دیگری نشان می‌دهد و می‌تواند شرایط مهمی بر شکل‌گیری تمایل به تجربه عشق باشد.

- سودابه، ۴۵ ساله، شاغل: " متأسفانه در خانواده خیلی سنتی و مذهبی بزرگ شدم. مشکل اصلی من ریشه‌ای و از بچگی که بماند و در واقع یک جور از نوجوانی شروع شد، من مشکلم را از چشم خانواده و پدر و مادرم می‌بینم."
- علی، ۳۲ ساله، شاغل: " چهار سال سن داشتم که پدرم فوت کرد و مادرم خانه‌دار است، مادرم دوسال پیش و وقتی که همه را سروسامان داد ازدواج کرد، بعد از اینکه پدرم فوت کرد یک

مغازه داشتیم که از طریق آن مخارج زندگی حاصل می‌شد و بعد هم که بزرگ شدم یکی از دلایلی که ادامه تحصیل ندادم چون شاغل شدم، و باید خرج خانه می‌دادم."

۴-۲-۱. لزوم پنهان سازی روابط عاشقانه و تجربه روابط عاطفی ناموفق قبل از ازدواج

در فضای مذهبی، سنتی و بیشتر سخت‌گیرانه درون خانوادگی، فرزندان، فرصت کمتری برای یافتن احساس عشق، به خصوص در دروان جوانی و نوجوانی پیدا می‌کنند. خانواده‌ها معمولاً آنها را از بروز رفتارها و احساسات عاشقانه نهی می‌کنند. به گونه‌ای که پیش فرض فرزندان این خواهد بود که داشتن هرگونه ارتباطی با جنس مخالف می‌تواند با واکنش منفی اعضای خانواده، به خصوص، والدین رو به‌رو شود. از این رو، پنهان کردن روابط عاشقانه، مؤلفه مهمی است که فرزندان عموماً در صورت برقراری رابطه آن را در نظر خواهند گرفت. مقوله پنهان کاری روابط احساسی در کنار تجربه شکست در روابط عاطفی قبل از ازدواج می‌تواند تمایل به تجربه عشق را در جوانان نهادینه سازد. از این رو مورد اخیر می‌تواند به عنوان شرط علی پدیده این مطالعه در نظر گرفته شود.

- مهتاب، ۳۲ ساله، خانه دار: "یادم می‌آید حتی اگر عاشق هم می‌شدم نمی‌توانستم به کسی بگویم، همیشه دلم می‌خواست که با کسی باشم که من را واقعاً دوست داشته باشد اما نشد..."

۴-۲-۳. فقدان رابطه عاطفی و جنسی متعادل با همسر

پیوند عاطفی با همسر می‌تواند تا حدود زیادی مانع ایجاد رابطه فرازنشویی شود، همان‌طور که خلأ آن می‌تواند موجبات بروز پدیده مذکور را ایجاد کند، از این رو، حضور و عدم حضور آن نقش کلیدی در ایجاد و یا عدم ایجاد رابطه فرازنشویی دارد. فقدان شناخت درست و واقع بینانه از همسر، قبل از ازدواج، بی‌توجهی عاطفی به همسر، سرد مزاجی در رابطه زنشویی، اهمیت به ارضای جنسی خود در رابطه جنسی با همسر، فقدان معاشقه در رابطه جنسی با زوجه، تمایل به اشکال نامتعارف رابطه جنسی در مردان به علت مراجعه به سایت‌هایی با محتوای جنسی و فیلم‌های پورن، تعارضات رفتاری مانند اعتیاد، فحاشی و خشونت‌های فیزیکی و در نهایت نداشتن رضایت قلبی از رابطه جنسی با همسر می‌تواند، موجب ایجاد احساس نارضایتی در زندگی زنشویی شود و سطح مطلوبیت زندگی مشترک زوجین را متأثر سازد. از این رو فقدان رابطه عاطفی و جنسی متعادل با همسر می‌تواند باعث بروز طلاق عاطفی میان زوجین شود. در نهایت مادامی که در رابطه جنسی و عاطفی زوجین، متعادل و در راستای آن رضایت وجود نداشته باشد، طلاق عاطفی صورت گرفته و تمایل به تجربه احساس عشق به دیگری بعد از ازدواج مجال بروز پیدا خواهد کرد.

- محدثه، ۲۴ ساله، خانه دار: " در این چندسالی که زندگی کردیم به شمار انگشت‌های دست به من کلمه محبت‌آمیز نگفته... حتی در نیاز جنسی هم با همدیگر مشکل داشتیم. یعنی هر وقت من سمتش می‌رفتم منو پس می‌زد. می‌رفتم به او می‌گفتم من الان نیاز جنسی دارم می‌گفت حوصله ندارم کلاً یک جوری می‌پیچاند، این رفتارش خیلی سخت بود و من هم خسته شدم و رفتم به سمت یک رابطه دیگر."
- مرتضی، ۲۶ ساله، شاغل: " رابطه‌ام با زخم قبل ازدواج خیلی بود بعد از ازدواج رابطه عاطفی مان خیلی ضعیف بود دیگر یعنی همان اوایل دوره عقد به یک سری مشکلاتی برخوردیم که هم من سردتر شدم هم او سردتر شد، خیلی آدم استرسی بود در رابطه جنسی، اصلاً ارضا نمی‌شدم، مثلاً به او می‌گفتم که برو مثلاً فلان کار را با من بکن اما نمی‌توانست. حرکاتش در رابطه جنسی رفتاراً حرکتاً صحبتاً حتی نفس کشیدن‌ها حتی بوی دهن حتی بوی بدن همش بد بود."
- مهتاب، ۳۲ ساله خانه دار: " شوهرم می‌گوید این زن‌های تو فیلم‌های پورن از تو خیلی بهترن، همیشه آنها را میزد به سرم."

۲-۴. شرایط زمینه‌ای

اضمحلال هنجارهای سنتی، دریافت منع و اجبار در اعمال روزمره از سوی خانواده، شکاف ارزشی- هنجاری والدین و فرزندان و نهایتاً ازدواج اجباری مبتنی بر معیارهای سنتی از مهم شروط زمینه‌ای است که در زمان و مکان خاص، اوضاع و احوالی را پدید آورده‌اند که تحت آن پدیده مرکزی این مطالعه به وقوع می‌پیوندد.

جدول (۲-۴) مقولات ناظر بر شرایط زمینه‌ای

مقولات فرعی / کدگذاری باز سطح دوم	مقولات محوری
۱. کم رنگ شدن ارزش‌های دینی، کاهش منفی انگاری طلاق، ارزش‌زدایی از صیغه و ازدواج، از بین رفتن قبح رابطه با جنس مخالف، از بین رفتن قبح تعدد روابط	۲. اضمحلال هنجارهای سنتی
۳. سلب آزادی و استقلال دختران در خانواده پدری، اجبار در انجام مناسک دینی، منع فرزندان از تجربه عشق و رابطه با جنس مخالف	۴. دریافت منع و اجبار در اعمال روزمره از سوی خانواده
۱. شکاف ارزشی والدین و فرزندان، تفاوت‌های مذهبی- ارزشی والدین و فرزندان، تمایل فرزندان به تجربه موارد منع شده از سوی والدین، تقابل هنجارهای مورد پذیرش فرزندان با هنجارهای مورد قبول والدین	۲. شکاف ارزشی- هنجاری والدین و فرزندان

مسائل اجتماعی ایران، سال یازدهم، شماره ۲

<p>۶. ازدواج اجباری مبتنی بر معیارهای سنتی</p>	<p>۵. فقدان علاقه به همسر قبل از ازدواج؛ ازدواج فقط بر اساس میل خانواده‌ها؛ در نظر نگرفتن نظر فرزندان در ازدواج؛ بی‌توجهی به احساسات عاشقانه قبل از ازدواج</p>
------------------------------------------------	----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۴-۲-۱. اضمحلال هنجارهای سنتی

هنجارهای مجاز رابطه عاطفی و جنسی با جنس مخالف (اعم از صیغه و ازدواج)، هنجارهای سنتی ناظر بر قبح طلاق و ارزشمندی ازدواج، مطرود بودن رابطه با جنس مخالف و نهی تعدد روابط هم‌زمان با جنس مخالف پیش از ازدواج تا حد زیادی در روندی ارزش‌زدایی شده و رو به اضمحلال رفته است، از سوی دیگر ارزش‌ها و هنجارهای جایگزینی برای هنجارهای رو به اضمحلال به وجود نیامده است. بنابراین، وضعیت بی‌هنجاری و آنومیک ایجاد شده است، که در این وضعیت کنشگران و عاملان اجتماعی نسبت به شیوه عمل در رابطه با جنس مخالف آگاه نیستند. بر این اساس در وضعیتی که ارزش‌های دینی کم‌رنگ‌تر شده، ارزشگذاری مثبت ناظر بر اهمیت پیوند زناشویی و ارزشگذاری منفی ناظر بر طلاق کاهش یافته و در نهایت رابطه جنسی و عاطفی با جنس مخالف نزد مردم پذیرفته‌تر شده و زوجینی که در چنین ساختاری با یکدیگر پیوند زناشویی برقرار می‌کنند، در صورتی که سایر شرایط نیز برقرار باشد، یا تمایل به رابطه عاطفی و جنسی با دیگری پیدا می‌کنند و یا به مقایسه همسر خود در روابط عاطفی و جنسی با دیگران و تصویرسازی زنان دیگر در رابطه جنسی می‌پردازد، البته تصویرسازی می‌تواند حاصل دیدن فیلم، عکس و یا روابط متعدد پیش از ازدواج نیز باشد.

- ستاره، ۳۰ ساله، خانه دار: " دوست نداشتم کسی در مورد دختری که از دوست پسرم بعد از ازدواج باردار شده بودم بد بگوید و بگویند دختر من با همه فرق دارد، از چند تا آخوند و طلبه در مرقد امام، دوست پسرم پرسیده بود، که آقا ما می‌خواهیم همچین کاری بکنیم و این بچه حلال زاده یا حرام زادست. گفته بودند؛ چون خودتان با میل و آگاهی این کار را انجام می‌دید و دارید یک مشکل حل می‌کنید آن بچه حرام زاده نیست."
- ساسان، ۳۸ ساله، شاغل: " من دوست دارم روابط متعددی داشته باشم. غیر این یک رابطه‌های غیرعرف را هم دوست دارم. به نظرم رابطه جنسی باید بسیار پرشور و لذت بخش باشد..."
- سروش، ۳۴ ساله، شاغل: " در ارتباط با همکارها آنقدر بسته نیستیم و باز هستیم، همانطور که می‌گویم اعتقاداتم ۵۰-۵۰ هستند قطعاً در این مسائل هم دیدها بازتر شده نسبت به گذشته که شما فکر می‌کردید خیلی بخواهد بسته باشد."

۴-۲-۲. دریافت منع و اجبار در اعمال روزمره از سوی خانواده

فضا و بستر خانوادگی تقریباً نیمی از مصاحبه‌شوندگان به گونه‌ای بود که آنان عموماً از سوی خانواده، درگیر منع و اجبار بودند. منع رابطه با جنس مخالف، سلب آزادی و استقلال

دختران، منع تجربه عشق، منع دیدن فیلم‌های پورن، منع مصرف سیگار و مشروب، منع طلاق در خانواده و در نهایت اجبار در نماز خواندن و انجام مناسک دینی، همگی محیطی را در فضای خانواده، ایجاد می‌کند که فرزندان یا به طور پنهانی و دور از نظارت خانواده کارهای منع شده از سوی خانواده خود را انجام دهند، یا به طور موقت فقط جهت جلوگیری از درگیری با خانواده، موانع دریافتی از سوی خانواده را بپذیرند و اجرا کنند و در زمانی که ازدواج کردند و تا حدودی از خانواده پدری مستقل شدند، به انتخاب خود کارهایی را که در کودکی از آن منع شده بودند، انجام دهند. رابطه فرزندناشویی به نوعی می‌تواند با توجه به این شرط زمینه‌ای که ناظر بر موانع و اجبارهایی است که عموماً از کودکی تا بزرگ سالی و نقطه‌ای که گزینش همسر اتفاق می‌افتد، دختران و پسران و البته به طور خاص دختران درگیر آن می‌شوند، تمایل به تجربه عشق در آنها ایجاد شده و امکان بروز رابطه فرزندناشویی برای آنان نیز فراهم می‌شود.

امیر، ۳۰ ساله، شاغل: "موقعی که رفیق بازی می‌کردم خانواده‌ام با من دعوا می‌کردند، از دوره سوم راهنمایی که بعد از آن وارد دبیرستان شدم رفیق بازی‌هایم شروع شد، از موقعی که رفیق بازی‌ام شروع شد پدرم عکس العمل نشان می‌داد و سرو صدا داشت می‌گفت دیر نیا، چرا این ساعت رفتی و آن ساعت آمدی، فلان کار را نکن، با فلان رفیق راه نرو. ولی خوب هیچوقت نمی‌زد و تا این سن رسیدم فقط دو بار از پدرم کتک خوردم."

مرتضی، ۲۶ ساله، شاغل: "خط قرمز ما در خانه زیاد داشتیم، یکی این که ما غروب آفتاب باید خانه می‌بودیم در دوره نوجوانی ما حتی اگر حمام ما بیشتر از ۵ دقیقه طول می‌کشید بابام در می‌زد که زود بیا بیرون دیگر. بعد در رابطه با جنس مخالف بشدت حساس بود حتی در روابط با دوستان خودمان ما اهل رفیق بازی هم نباید می‌بودیم یعنی اگر از مدرسه با دوستان برمی‌گشتیم باز خواست می‌شدیم از کلمه رفیقم بدش می‌آمد. به بابام می‌گفتم مثلاً قرار دارم ممکن بود یک چک بیاید تو صورت... اما در دوم دبیرستان یک رابطه داشتم که برادران محترم بسیج با خانواده تماس گرفتند به بابام گفتند که او هم به رویم آورد و داستان شد..."

۲-۳. شکاف ارزشی-هنجاری والدین و فرزندان

بر اساس یافته‌های این مطالعه، نظرهای متفاوت والدین و فرزندان در زمینه‌هایی مانند به جای آوردن مناسک دینی، روابط با جنس مخالف و مسائل اخلاقی در یک بستر و فضا می‌تواند، موجبات شکاف ارزشی و هنجاری را در میان والدین و فرزندان ایجاد کند، که شکاف ارزشی

میان این دو نسل می‌تواند زمینه‌ساز بروز میل به تجربه عشق و برقراری رابطه فرازنشویی فرزندان در سال‌های بعد از ازدواجشان باشد.

ساسان، ۳۸ ساله، شاغل: "خانواده من مذهبی بودند در حالی که من مذهبی نبودم. با وجود مخالفت آنها سیگار می‌کشیدم... آنها ازدواجم رو تو چارچوب خانواده می‌پسندیدن اما من جور دیگه‌ای ازدواج کردم."

سروش، ۳۴ ساله، شاغل: "خوب خانواده منم روی یک سری مسائل واقعاً حساس بود مخصوصاً رابطه با جنس مخالف، البته من ۵۰ ۵۰ بودم، کار خودم را می‌کردم..."

۴-۲-۴. ازدواج اجباری مبتنی بر معیارهای سنتی

ازدواج بر مبنای معیارهای سنتی و مبتنی بر شناخت خانواده و بدون در نظر گرفتن احساس عاشقانه فرزندان نسبت به فردی که می‌خواهد به همسری او در بیاید، یکی از عوامل زمینه‌ای است که می‌تواند شرایطی را ایجاد کند که تحت تأثیر آن میل به عشق و تجربه عشق در افراد، ارضا نشده و مسکوت باقی بماند. میل به عشق و تمایل به برقراری روابط عاشقانه، زمانی که تعارضات رفتاری، از سوی یکی از زوجین یا هر دوی آنها صورت بگیرد و یا در زمانی که تحت تأثیر این تعارضات رفتاری سطح کلی رضایت از زندگی و رضایت از رابطه عاطفی و جنسی با همسر، کاهش پیدا کند، بروز خواهد کرد و خود را در قامت میل به برقراری رابطه عاطفی با دیگری نشان می‌دهد.

سودابه، ۴۵ ساله، شاغل: "هیچ کس به احساس من وقتی داشتم ازدواج می‌کردم توجه نکرد، خیلی دوستش نداشتم..."

ستاره، ۳۰ ساله، خانه دار: "من فقط به خاطر حرف و حدیث‌ها ازدواج کردم چون می‌گفتند ستاره اگر ازدواج نکنم مانده و ترشیده، فقط به خاطر حرف و حدیث با این که دوسش نداشتم ازدواج کردم در زندگی‌ام حسی از او دریافت نکردم."

۴-۳. شرایط مداخله گر

سوء رفتار با همسر، تحرک اجتماعی- طبقاتی و تحول انتظارات فرد در گذار زمان و نهایتاً از میان رفتن تابوی پیشنهاد رابطه فرازنشویی از سوی مردان به زنان متأهل از شرایطی هست که به نوعی تقویت کننده شرایط علی هستند و بروز مقوله مرکزی را نیز محتمل تر می‌کنند.

جدول (۴-۳) مقولات ناظر بر شرایط مداخله گر

مقولات فرعی / کدگذاری باز سطح دوم	مقولات محوری
فحاشی زوجین به یکدیگر، خشونت‌های فیزیکی و کلامی زوجین نسبت به یکدیگر، اعتیاد زوجین، گسست پیوندهای عاطفی زوجین	سوء رفتار همسر (تأکید بر انحرافات اخلاقی)
اختلاف زوجین با یکدیگر به دلیل ارتقای سطح تحصیلات و	تحرک اجتماعی- طبقاتی و تحول انتظارات فرد (در گذار زمان)

تحلیل جامعه‌شناختی وقوع رابطه فرازنشویی: ارائه یک نظریه زمینه‌ای

تحولات شغلی آنان بعد از ازدواج، احساس خجالت از موقعیت کاری و تحصیلی همسر، فقدان جذابیت‌های جنسی و ظاهری همسر	از بین رفتن تابوی پیشنهاد رابطه فرازنشویی از سوی مردان به زنان متأهل
از بین رفتن قبح رابطه با جنس مخالف، اضمحلال ارزش‌های دینی و سنتی در خصوص رابطه با جنس مخالف، از بین رفتن قبح روابط عاشقانه	

۴-۳-۱. سوء رفتار همسر (تأکید بر انحرافات اخلاقی)

در کنار شرایط علی و زمینه‌ای که مورد بحث قرار گرفت، شرایط مداخله‌گری وجود دارد که می‌تواند به نوعی تسهیل‌کننده بروز و ظهور پدیده مرکزی باشد. سوء رفتار همسر یکی از شروط مداخله‌گر است. براساس یافته‌های این مطالعه، زمانی پیوندهای عاطفی و جنسی زوجین گسسته می‌شود، مجال برای بروز سوء رفتار همسر نیز فراهم می‌شود، از این رو فحاشی زوجین به یکدیگر، کتک زدن همسر، اعتیاد به سیگار و مشروب و در مواردی مواد مخدر همگی می‌توانند به عنوان یک عامل مداخله‌گر تسهیل‌کننده تمایل به برقراری رابطه عاشقانه باشند.

مریم، ۲۲ ساله، خانه دار: " یکی از اخلاقیات همسر دست بزن بودن (کتک زدن) او بود، از موقعی که ازدواج کردم چادر را کلاً کنار نگذاشتم چون طرف شوهرم هم حساس هستند و چادر را دوست دارند ولی از لحاظ آرایش و مو بیرون ریختن کم و بیش شوهرم کاری نداشت چون درگیر اعتیاد خودش بود و مصرف‌کننده تریاک است. شوهر من زیاد رفیق بازی می‌کند، مشروب می‌خورد و ناس می‌اندازد و سیگار می‌کشد، رفیق‌هایش را به من ترجیح می‌دهد."

ستایش، ۱۸ ساله خانه دار: " خیلی بد دل است همین قضیه را به او می‌گویم کار من نبوده ولی باور نمی‌کند مثلاً در خیابان که راه می‌رویم می‌گوید سرت را بالا بگیر بالا می‌گیرم می‌گوید تو به پسرها خیره می‌شوی نمی‌خواهد بالا بگیرد و من هم سرم را پایین می‌گیرم کلاً هر دفعه یک چیزی می‌گوید."

۴-۳-۲. تحرک اجتماعی - طبقاتی و تحول انتظارات فرد (در گذار زمان)

وجود امکان تحرک اجتماعی در طبقه اجتماعی، شامل تحصیلات، شغل و در هر مرتبه اجتماعی برای یکی از زوجین در طی زندگی می‌تواند شرایطی را ایجاد کند که به تبع آن کم‌کم فردی که در زندگی زنشویی در هر موقعیت اجتماعی تحرک و ارتقا پیدا کرده، احساس می‌کند که از سوی همسر درک نمی‌شود. از سوی دیگر در فرایند این تحرک اجتماعی به مرور معیارهای یک همسر خوب در نظر فرد تغییر می‌کند و ممکن است این معیارها به کل مغایر با ویژگی‌های همسر کنونی فرد باشد. براساس یافته‌های این مطالعه، زوجین بعد از گذشت چند سال از زندگی به این نتیجه می‌رسند که نمی‌توانند از یکدیگر درک متقابلی داشته باشند و یا

این که معیارهای کنونی آنها با ویژگی‌های همسر فعلی‌شان متفاوت است و این شرایط می‌تواند ماحصل تحرک اجتماعی یکی از زوجین می‌باشد.

شیوا، ۳۰ ساله، شاغل: "از معرفی همسرم به دیگران واقعاً خجالت می‌کشم و تا یک مقطعی هم خیلی خجالت می‌کشیدم، یک جایی سعی کرد خودش را بالا بکشد و من هم او را بالا کشاندم و کمک کردم که دیپلمش را بگیرد و آنجا برایم یک کم آسان‌تر بود. با او راه بروم، یک جاهایی در خیابان هم با او می‌رفتم از خودم هم بدم می‌آمد و اگر دوست یا آشنا ما را می‌دید؛ خجالت می‌کشیدم و از یک جایی سعی کردم که به خودم برسیم و به سر وضع او هم برسیم و بعدش خجالت کمتر شد ولی باز الآن خجالت می‌کشم."

ساسان، ۳۸ ساله، شاغل: "اشتیاق من به رابطه فرازنشویی خیلی بیشتر از همسرم بود. چون برایم تازگی نداشت که بخواهم با همسرم رابطه داشته باشم. جسارت، ماجراجویی، جذابیت‌های جنسی و ظاهری، پیچیدگی‌های شخصیتی دخترای دیگر را دوست دارم فهمیدم که زخم اینها را ندارد، راجع به روابطم با همسرم، نکته این است که ما بیشتر درگیر روزمرگی هستیم. ولی الآن من دنبال تازگی هم هستیم."

۴-۳-۳. از بین رفتن تابوی پیشنهاد رابطه فرازنشویی از سوی مردان به زنان

متأهل

پیشنهاد رابطه فرازنشویی، برخلاف گذشته که فعل قبیحی بوده است و اگر کسی مرتکب این امر می‌شد، از سوی دیگران طرود می‌شد. امروزه، تابو بودن آن به خصوص در رابطه با زنان متأهل تا حد زیادی شکسته است و تعداد زنانی که درگیر رابطه فرازنشویی با مردان متأهل می‌شوند با شیب زیادی رو به افزایش است و البته این نشانی از روند رو به رشد اضمحلال ارزش‌های دینی و سنتی در جامعه ایران است. از این رو این مقوله در کنار سایر شرایط می‌تواند به نوعی در تمایل به تجربه عشق و برقراری رابطه فرازنشویی نقش مداخله کننده‌ای داشته باشد.

سودابه، ۴۵ ساله، شاغل: "امیر (نفر دوم) گفت اگه بشود می‌خواهم با خودتان یه صحبتی کنم، گفتم من شوهر، داماد دارم، من ۴۵ سالم است، گفتم خوب تفاوت سنی من و تو هم خیلی زیاد است و اصلاً غیر از اینها شما با یک زن شوهر دار چه صحبتی داری. گفت به خدا قصد مزاحمت ندارم و از شما خوشم آمد و فقط می‌خواهم با شما صحبت کنم، ناخواسته به خودم رسیدم و رفتم او را دیدم. رابطه عاشقانه ما شکل گرفت. گفت تو یک جسارتی داری که زخم آن را ندارد. گفت زن من خانه نشین

است، اما تو یکی اجتماعی هستی. کمی که صمیمی‌تر شدیم در مورد سردی شوهرم و او هم درباره سردی زنش گفت، گریه‌ام گرفت و بغلش کردم و این شروع رابطه ما بود که به رابطه جنسی هم ختم شد."

ع-۴. پدیده مرکزی: تمایل به تجربه عشق مدرن

از آن جایی که پدیده عشق، در فضای خانوادگی سنتی، امری نامأنوس تلقی می‌شود و عموماً خانواده‌ها اجازه تجربه آن را به فرزندان خود، به خصوص دخترانشان نمی‌دهند، اگر این پدیده از سوی دختران تجربه شود، تجربه‌ای پنهانی خواهد بود. از این رو تجربه عشق مدرن و دوستی با جنس مخالف معمولاً برای دختران دارای جذابیت است. در واقع دخترانی که در فضای سنتی - مذهبی خانواده رشد کرده‌اند و تجربه حضور در اجتماع و تحرک اجتماعی را نیز داشته‌اند، از یک سو، تمایل به تجربه عشق پیش از ازدواج را دارند و از سوی دیگر نمی‌خواهند با شیوه سنتی و خواستگاری ازدواج کنند، اما به این دلیل که عشق پیش از ازدواج عموماً نزد خانواده‌ها مقبول نیست و اجازه تجربه آن به فرزندان داده نمی‌شوند، دختران و یا پسران در ساختاری که کاملاً در تناقض با روحیاتشان است، اقدام به گزینش همسر می‌کنند و تمایل به تجربه عشق مدرن در آنها باقی خواهد ماند. حال اگر در زندگی زنشویی در معرض رفتارهای خشونت آمیز همسرشان قرار بگیرند، روابط عاطفی و جنسی متعادلی با همسرشان نداشته باشند و یا با گذشت زمان به دلیل تحرکات اجتماعی و طبقاتی معیارهای همسر خوب در منظرشان دچار تغییر شود، در زندگی زنشویی دچار احساس ناکامی در روابط خود، خواهند شد. احساس ناکامی در رابطه زنشویی در چنین شرایطی در قامت رابطه عاطفی با دیگری (شخصی غیر از همسر) خود را نشان می‌دهد، در واقع تمایل به تجربه عشق مدرن موجبات برقراری رابطه فرازنشویی را برای کنشگران اجتماعی فراهم می‌نماید.

ع-۵. راهبرد

برقراری رابطه فرازنشویی راهبردی هست که مشارکت کنندگان در هنگام فرارگیری در شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر فوق‌الذکر در پیش می‌گیرند

جدول (۴-۴) مقولات ناظر بر راهبردها

مقولات فرعی / کدگذاری باز سطح دوم	مقولات محوری
۱. برقراری عاطفی با دیگری غیر از همسر، برقراری رابطه جنسی خارج از چارچوب خانواده، باردار شدن توسط مردی غیر از همسر، تأمین نیاز عاطفی از سوی شخصی غیر از همسر، تأمین نیاز جنسی توسط شخصی غیر از همسر	۲. برقراری رابطه فرازنشویی

۴-۶. برقراری رابطه فرازنشویی

رابطه با جنس مخالف بعد از ازدواج سطوح مختلفی دارد؛ این روابط از سطح روابط کلامی و به صورت مجازی آغاز شده، به روابط احساسی، عاطفی و در نهایت به رابطه جنسی ختم می‌شود. از این رو، روابطی که در سطح نهایی خود قرار بگیرند از نوع روابط فرازنشویی خواهند بود. هرگاه، زوجین دچار گسست‌های عاطفی در روابط میان خود و والدین، والدین با یکدیگر و همچنین آسیب‌هایی نظیر طلاق، اعتیاد و خیانت در خواستگاه خانوادگی خود شوند یا در صورت مواجهه با جهان مدرن به دلیل حضور در فضای سنتی خانوادگی امکان تجربه عشق از آنها سلب شده باشد و آنها به اجبار و یا از روی ناچاری تن به ازدواج داده باشند، عموماً در سال‌های بعد از ازدواج دچار اختلال در روابط عاطفی و جنسی با همسرشان خواهند شد. به این ترتیب، ورود به رابطه عاطفی با شخصی، غیر از همسر، تا حدودی نیاز عاطفی آنان را تأمین و از اختلالات در روابطشان می‌کاهد، از این رو به نظر می‌رسد برقراری رابطه فرازنشویی استراتژی کنشگران مورد مطالعه در مواجهه با پدیده تمایل به تجربه عشق مدرن بوده است. ستاره، ۳۰ ساله، خانه‌دار: "وقتی دیدم بچه‌دار نمی‌شویم، دیگر همسر نمی‌توانست مرا راضی نگه دارد؛ البته دوسش داشتم اما خوب رفتم در یک رابطه دیگر و از او باردار شدم...". ساسان، ۳۸ ساله، شاغل: "رابطه عاطفی خیلی ضعیفی با همسر داشتم، بنابراین دلم می‌خواست با دخترهای دیگر هم رابطه داشته باشم...".

۴-۷. پیامدها

نهایتاً پنهان‌سازی رابطه و تداوم زندگی مشترک، یا علنی‌سازی رابطه و جدایی زوجین دو پیامدی است که کنشگران مورد مطالعه در صورت قرارگیری در شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر ذکر شده و در صورت اتخاذ راهبرد رابطه فرازنشویی با آنها مواجه خواهند شد. بنابراین پیامدها به نوعی حاصل قرارگیری مشارکت‌کنندگان در شرایطی مشخص و پاسخی به موقعیت‌های خاص است.

جدول (۴-۵) مقولات ناظر بر پیامدها

مقولات فرعی / کدگذاری باز سطح دوم	مقولات محوری
۳. مدیریت روابط عاطفی با همسر از طریق تأمین نیازهای عاطفی و جنسی در رابطه فرازنشویی، تداوم زندگی زنشویی با تأمین نیازها به وسیله شخصی غیر از همسر، ارتباطات پنهانی عاشقانه بعد از ازدواج، تلاش برای مدیریت رابطه زنشویی و رابطه فرازنشویی به صورت پنهانی	۴. پنهان‌سازی رابطه و تداوم زندگی زنشویی

تحلیل جامعه‌شناختی وقوع رابطه فرازنشویی: ارائه یک نظریه زمینه‌ای

<p>علنی‌سازی رابطه و جدایی زوجین</p>	<p>طلاق رسمی از همسر، طرد از سوی خانواده به دلیل برقراری روابط فرازنشویی، طرد از سوی همسر به دلیل رابطه فرازنشویی، گسست پیوندهای عاطفی و رسمی میان زوجین، اظهار به برقراری رابطه فرازنشویی نزد همسر، اظهار به برقراری رابطه جنسی با فرد نزد همسر، افشای رابطه عاشقانه بعد از ازدواج نزد همسر</p>
--------------------------------------	--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۷-۱. پنهان‌سازی رابطه و تداوم زندگی زنشویی

زمانی که کنشگران، اقدام به پنهان‌سازی رابطه مذکور می‌کنند - پنهان‌سازی روابط به این صورت است که کنشگران درگیر، سال‌ها روابط فرازنشویی خود را به صورت پنهانی پیش می‌برند. در واقع آنها به رابطه فرازنشویی به عنوان یک امر دارای کارکرد می‌نگرند، که می‌تواند موجبات تداوم زندگی زنشویی را فراهم آورد. بر این اساس، رابطه فرازنشویی به عنوان یک رابطه عاطفی یا جنسی، تأمین‌کننده آن بخشی از نیازهای فرد است که به طور مشخص از سوی همسر تأمین نمی‌شود و کنشگران ضرورتی بر علنی‌سازی رابطه خود نمی‌بینند. بنابراین، علاوه بر این که به رابطه خود با شخص دوم ادامه می‌دهند، زندگی زنشویی خود را نیز دارند. با وجود این که برقراری این رابطه، خلاف شرعیات اسلامی است، در مواردی برای برخی از کنشگران، به‌منظور تأمین بخشی از نیازهایی که در رابطه با همسر مغفول باقی مانده است کارکرد تداوم زندگی زنشویی را دارد. نکته حائز اهمیت، در باب این موضوع، رابطه فرازنشویی است که برای برخی از زوجین با کارکرد تداوم زندگی زنشویی همراه بوده، اما زوجین مذکور دارای حدی از طلاق عاطفی با همسر خود نیز بوده‌اند.

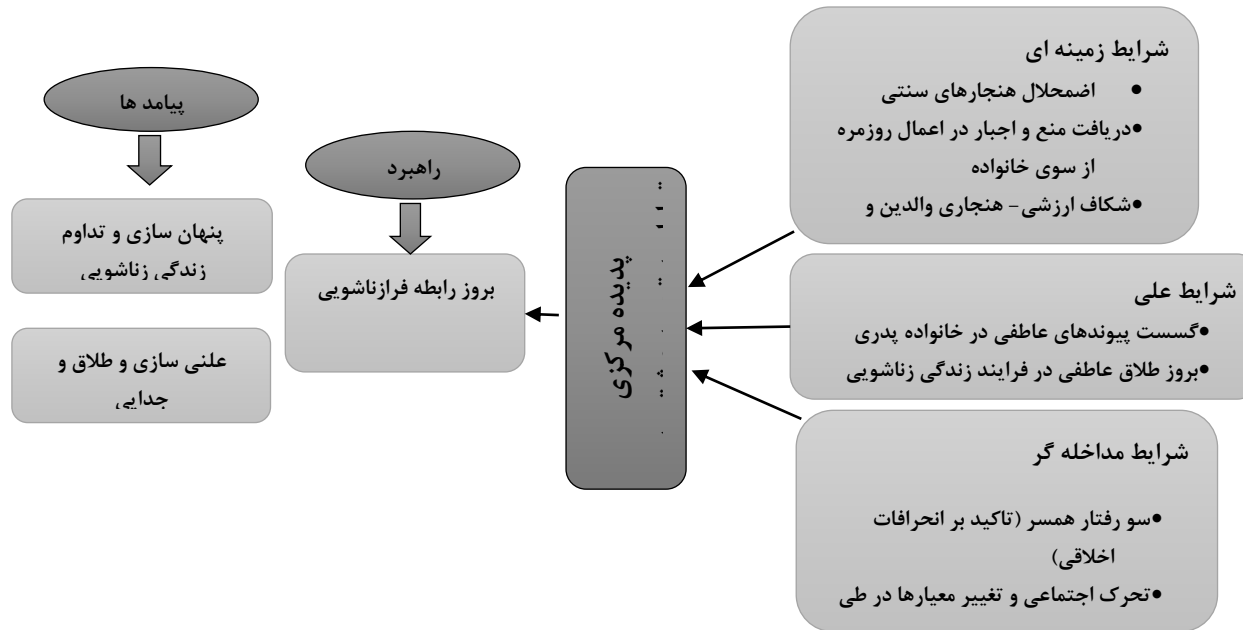
- شکوه، ۳۱ ساله، خانه‌دار: "ازینکه یک نفر است که حرف‌هایم را می‌فهمید، برایم دو حالت ایجاد می‌کرد و درواقع هم دوست داشتم و هم دوست نداشتم، مثلاً وقتی به این فکر می‌کردم زندگی‌ام را تمام کنم و با آن آقا ادامه بدهم. دوست داشتم، ولی وقتی به این فکر می‌کردم رابطه‌ام را همینطور ادامه بدهم و این آقا هم باشد نمی‌خواستم و نمی‌توانستم ادامه بدهم."
- سودابه، ۴۵ ساله، شاغل: "اصلاً نمی‌خواستم و نمی‌توانستم از شوهرم جدا بشوم یا بگذارم او از زنش جدا بشود، به او می‌گفتم باید زنت را روی سرت بگذاری، حتی در مورد رابطه جنسی او با زنش را می‌پرسیدم که چطور است، به من می‌گفت خوب است اما با تو رابطه‌ام بهتر است، ما هر روز رابطه جنسی داشتیم..."

- ساسان، ۳۸ ساله، شاغل: " با همسرم رابطه عاطفی دارم، اما نه زیاد، اما خوب با دخترهای دیگری هم رابطه دارم، مخصوصاً رابطه جنسی. به نظرم رابطه فرازنشویی یک جور جهان بینی است که خللی در رابطه زنشویی، ایجاد نمی کند من می گویم در این رابطه ها منع اخلاقی وجود ندارد."
- ستاره، ۳۰ ساله، خانه دار: "شوهرم با این رابطه کنار آمده، چون او ضرری برای زندگی من و شوهرم ندارد، نه اصلاً، چون ضرری واسه زندگی همدیگر نداریم. شوهرم به آن آقایی که با او رابطه داشتم گفت، ستاره الان فقط به این خاطر که تو برگشتی زنده است."

ع-۷-۲. علنی سازی رابطه و جدایی زوجین

علنی شدن رابطه فرازنشویی و جدایی زوجین، پیامد دیگری از راهبرد برقراری رابطه فرازنشویی است. یافته های این مطالعه، علنی شدن رابطه فرازنشویی، با دو مکانیسم صورت می گیرد. یکی از این مکانیسم ها علنی سازی و آشکارسازی این رابطه به واسطه فرد در رابطه است؛ به این ترتیب که فرد دارای رابطه، نزد همسر خود اظهار به داشتن رابطه فرازنشویی می کند و دیگری ناظر بر افشا شدن رابطه به هر طریقی است، به این صورت که همسر در فرایندی متوجه رابطه فرازنشویی زوج و یا زوجه خود، خواهد شد. گروهی از کنشگران که در ارتباط با پدیده رابطه فرازنشویی راهبرد آشکارسازی رابطه را نزد همسر و اطرافیان در پیش می گیرند. اولین واکنش دریافتی برای آنها از سوی دیگران، طردشدگی خواهد بود که می تواند در مراحل بعد به جدایی زوجین منجر شود.

- ستاره، ۳۰ ساله، خانه دار: "با سعید از خانه بیرون رفتیم و از اولین روز آشنایی با این آقا را به او گفتم و اینکه چه جوری با سعید آشنایش کردم و جریان بچه را هم که مال او نیست و مال آن آقا است را هم به او گفتم.."
- مژده، ۲۲ ساله، خانه دار: " شوهرم عکس های دوست دخترش را در اینستاگرام و تلگرامش می گذارد، خودم دیدم."
- محدثه، ۲۴ ساله، خانه دار: " همسرم اصلاً رابطه اش را با این خانم جلوی من انکار نمی کرد؛ همسرم علناً می آمد می گفت که بله، این خانم را دوست دارم. بعد رابطه جنسی شان را می آمد به من گفت..."
- سمیه، ۲۰ ساله، خانه دار: " شوهرم به من شک کرد، مرا می زد، از خانه فرار کردم، دوباره برگشتم، الان دارم کارهای طلاق را انجام می دهم، می خواهم از او جدا شوم، می خواهم با کسی باشم که عاشقم باشد."



شکل (۱-۴) مدل پارادایمی اقدام به رابطه فرزنشویی

۵. بحث و نتیجه‌گیری

جهانی شدن و ورود به مدرنیته، نقش مهمی در تحول و دگرگونی جامعه دارد. یکی از مهمترین نهادهای جامعه که نقش ویژه‌ای در برقراری انسجام اجتماعی دارد، نهاد خانواده است که با ورود به دوران مدرنیته تحولات و دگرگونی‌های زیادی را به خود دیده است (آزادارمکی و شکوری، ۱۳۸۱؛ محقق نسب و ناظمی، ۱۳۹۵؛ ایدر و مردانی، ۱۳۹۵). با توجه به این مورد و جوه چندگانه پدیده رابطه فرزندناشویی و اهمیت ابعاد مادی، عاطفی، جنسی و اجتماعی آن، رابطه فرزندناشویی به عنوان یک آسیب اجتماعی دوام پیوند زناشویی را تهدید می‌کند. بنابراین مطالعه حاضر با رویکرد کیفی و تکنیک مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته و مسئله محور، به بررسی و شناخت دقیق شرایط بروز رابطه فرزندناشویی پرداخته است. براساس یافته‌های پژوهش، منشأ رابطه فرزندناشویی، مجموعه‌ای از شروط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر است. این شرایط در ارتباط با یکدیگر زمینه و بستری را برای بروز و ظهور تمایل به تجربه عشق و برقراری رابطه عاطفی ایجاد می‌کنند. در نهایت کنشگران نیز در برخورد با این پدیده راهبرد و استراتژی‌های متفاوتی دارند.

گسست پیوندهای عاطفی در خانواده پدری و تجربه آسیب‌ها و مسائل اجتماعی نظیر اعتیاد، فقر، خیانت، فضای تنش‌زای خانواده، سبک‌های تربیتی نامناسب از سوی خانواده و حضور افراد درگیر در رابطه فرزندناشویی در خانواده، به عنوان یکی از شروط علی پدیده رابطه فرزندناشویی در نظر گرفته شده است. فتحی، فکر آزاد، غفاری و بوالهروی (۱۳۹۲) و حبیبی عسگرآباد و حیدری (۱۳۹۴) نیز فضای متشنج تجربه شده از سوی دختر و پسر در دوران کودکی و نوجوانی را یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در ایجاد زمینه‌های مؤثر بر بروز رابطه فرزندناشویی می‌دانند. ضرورت پنهان‌سازی روابط عاشقانه و تجارب ناموفق در این روابط نیز شرط علی دیگری است که عموماً از منظر مصاحبه شونده‌گانی که به هر دلیلی تجربه حضور در اجتماع و محیط‌هایی غیر از خانه نظیر دانشگاه، محیط شغلی و سایر فضاهای اجتماعی را داشته‌اند، به عنوان تجربه‌ای لذت‌بخش اما نامأنوس با فضای سنتی خانواده‌ها شناخته می‌شود، از این رو دختران و پسران (به خصوص دختران) عموماً اگر تجربه عشق ناکام پیش از ازدواج داشته باشند و یا به اجبار و یا از روی ناچاری تن به ازدواج داده باشند، از آن جایی که پدیده عشق در ذهن و قلب آنان مغفول باقی مانده در صورت بروز شرایط مساعد کننده دیگر، این تمایل خود را در قامت رابطه فرزندناشویی نشان خواهد داد. حدادی و انصاری نژاد، آقا جانی و خالقی اصفهانی (۱۳۹۵)، نیز به تأثیر عشق ناکام در بروز رابطه فرزندناشویی تأکید کرده‌اند.

از سوی دیگر، براساس رویکرد کارکردگرایی در مطالعات خانواده، یکی از کارکردهای مهم خانواده امر جنسی، تولید مثل و عاطفه است، که در صورت عدم تأمین موارد ذکر شده، خانواده در معرض فروپاشی و اضمحلال قرار می‌گیرد (آزاد ارمکی و شکوری، ۱۳۸۱). براساس یافته‌های تحقیق، فقدان رابطه عاطفی و جنسی متعادل با همسر (نارضایتی جنسی)، تمایل به اشکال غیر معمول در رابطه جنسی، تعدد روابط و بی‌توجهی و طردشدگی عاطفی همگی می‌تواند یکی از علت‌های مهم در بروز تمایل به تجربه روابط عاطفی و عاشقانه باشند. این یافته با مطالعات ویگینس و دوریس (۲۰۱۷) و پرویتی و آماتو (۲۰۰۴) که همگی نارضایتی جنسی و مشکلات عاطفی را نیز یکی از علل مهم بروز نیاز به برقراری رابطه عاشقانه با دیگری و رابطه فرازنشویی در میان زوجین می‌دانند، تا حدودی همخوانی دارد.

تغییر در الگوی روابط جنسی و عاطفی به عنوان یکی از پیامدهای ورود مدرنیته به ایران است که در بروز عدم تعادل در روابط زوجین نیز مؤثر می‌باشد. در واقع ورود مدرنیته به ایرانی که هنوز در فضای سنتی قرار دارد و هنجارهای مدرن در همه ابعاد زندگی به خصوص، بُعد رابطه با جنس مخالف در آن شکل نگرفته است می‌تواند چالش‌های زیادی را برای زنان و مردان در زندگی زنشویی ایجاد کند (ایدن و مردانی، ۱۳۹۵). از سوی دیگر اشکال متعدد و گونه‌های مختلفی از روابط جنسی که امروزه تحت تأثیر امر مدرن به وجود آمده است، همچنین دسترسی آسان افراد به فضای مجازی و منابع پورنوگرافی (عکس و فیلم و داستان) و آزادی‌های جنسی (گیدنز، ۱۳۸۲: ۹۶؛ ۱۳۸۴: ۹۸؛ حدادی، انصاری نژاد، آقاجانی و خالقی اصفهانی، ۱۳۹۵)، همگی در کنار اضمحلال ارزش‌های دینی و باورهای سنتی در خصوص رابطه با جنس مخالف و به‌طور کلی امر مذهب که می‌تواند کنترل‌کننده روابط میان زنان و مردان باشد (شرف الدین و صالحی زاده، ۱۳۹۵)، شرایط بروز پدیده مرکزی این مطالعه را ایجاد کرده‌است. در چنین شرایطی که هنجارهای مذهبی در خصوص امور مختلف بالأخص رابطه با جنس مخالف از بین رفته، هنجارهای مدرن هنوز جایگزین نشده‌اند و جامعه ایران در حوزه مذکور در یک وضعیت بی‌هنجاری قرار دارد و هنجارهای حوزه روابط، قدرت الزام‌آوری خود را به دلیل کم‌رنگ شدن ارزش‌های مذهبی در این خصوص، از دست داده‌اند، ایجاد تمایل به برقراری روابط عاشقانه، خارج از چارچوب خانواده بسیار محتمل‌تر خواهد بود. از آنجایی که عموماً خانواده‌ها فضای جامعه و دگرگونی‌های ناشی از ورود مدرنیته را تا حدودی درک می‌کنند، بنابر ساختار سنتی و یا غیر سنتی خود و اعتقاد و یا عدم اعتقاد به ارزش‌های مذهبی و باورهای دینی عموماً یا به فرزندان خود آزادی بی‌حد و حصری در روابط با جنس مخالف و در اجرای مناسک مذهبی و امور دینی اعطا می‌کنند یا اینکه مجموعه‌ای از محدودیت‌ها و اجبارها را بر اعمال و روابط فرزندان خود جهت حفظ آنها ایجاد می‌کنند. هرکدام از این دو کنش از

سوی والدین برای فرزندان می‌تواند به نوعی موجبات شکاف ارزشی و هنجاری میان دو نسل، والدین و فرزندان، را فراهم بیاورد و به این ترتیب به عنوان عامل بروز رابطهٔ فرازناشویی در آیندهٔ آنها باشد.

سوء رفتار همسر، فحاشی، آسیب‌های جسمی و کلامی به همسر، اعتیاد و تحرک اجتماعی و در امتداد آن تغییر معیارهای زوجین در فرایند زندگی زناشویی نیز از مقولات محوری و شروط مداخله‌گر در تمایل به تجربهٔ عشق و به تبع آن برقراری روابط فرازناشویی است. به علاوه، ورود به عصر مدرنیته، دگرگونی‌هایی را در جامعه ایجاد کرده است، در واقع می‌توان گفت که حالتی از بی‌هنجاری در روابط افراد ایجاد شده است، حالتی از بی‌هنجاری که در آن هنجارهای قدیم کنار زده شده‌اند و هنجارهای جدیدی هم برای روابط میان افراد شکل نگرفته است، در چنین وضعیتی صورت‌هایی از نوآوری، اصلاح خواهی هنجارها تا طغیان‌گری‌های پی‌درپی در روابط پیش خواهد آمد (نک: بیرو، ۱۳۸۰). امروزه، در عصر مدرن، علاوه بر تفاوت ایجاد شده در اشکال ازدواج، حضور گستردهٔ زنان در اجتماع، نقش‌های ثابت زنان و مردان، تحولات در نقش‌های زن و شوهری، مواجههٔ زنان و مردان با جنس مخالف و داشتن روابط کاری و غیر کاری با آنها و به‌طور کل وجود امکان رابطه با جنس مخالف و اشتغال زنان و به خصوص، امکانات گسترده‌ای که برای تحرک اجتماعی زنان و مردان (به خصوص زنان) به وجود آمده، در یک فرایند، همگی می‌تواند شرایطی فراهم آورد که زوجین نسبت به یکدیگر دچار بی‌میلی عاطفی و جنسی شوند. از این رو، تمایل عشق به دیگری، در آنها شکل می‌گیرد و چنانکه در معرض موقعیت ایجاد رابطهٔ فرازناشویی قرار بگیرند، از آنجایی که گفته شد؛ هنجارهای الزام‌آوری در خصوص رابطه با جنس مخالف در جامعهٔ ایران وجود ندارد، اقدام به برقراری رابطه می‌کنند. این وضعیت به زعم دورکیم (موریسن، ۲۰۰۶) نوعی بی‌هنجاری و عدم التزام به قواعد و هنجارهای جاری در جامعه است. زمانی که نیازهای عاطفی، اقتصادی و جنسی زوجین در زندگی زناشویی تأمین نمی‌شود و به این خاطر که در چنین شرایطی شیوهٔ عمل مناسبی را نمی‌یابند؛ همچنین تحت‌تأثیر شرایط ساختاری که در آن قرار داشته‌اند، تمایل به تجربه عشق در آنها قوت خواهد گرفت.

پدیدهٔ تمایل به تجربهٔ عشق تحت چنین شرایطی امکان بروز و ظهور پیدا می‌کند. زیرا بر اساس نظریهٔ انتخاب عاقلانه، کنشگران اجتماعی پیوسته، به دنبال افزودن سود خود و کسب حداکثر فایده برای خود می‌باشند، آنها سعی می‌کنند راهبردی را انتخاب کنند که برای آنها بهترین راه و بیشترین منفعت را داشته باشد (لیتل، ۱۳۷۳)، بنابراین زمانی که نیازهای عاطفی، جنسی و اقتصادی، که از مهمترین کارکردهای نهاد خانواده است، در زندگی زناشویی تأمین

نشود، ممکن است هر کدام از زوجین با توجه به سایر شرایط و عواملی که تاکنون به آنان پرداخته شده است، تمایل به تجربه‌ عشق در کنار دیگری داشته باشند. کنشگران نیز زمانی که با پدیده‌ تمایل به تجربه‌ عشق رو به رو می‌شوند، یک راهبرد اتخاذ می‌کنند و آن برقراری رابطه‌ عاطفی و عاشقانه با دیگری است. این راهبرد، سطوح مختلفی از روابط کلامی و به صورت مجازی تا روابط جسمی و جنسی را در برمی‌گیرد. این روابط با همه‌ آسیب‌هایی که به خانواده وارد می‌کند تا حدی نیازهای عاطفی و جنسی زوجین را برطرف می‌کند اما پیامدهای اتخاذ این استراتژی حکایت از نگاه کارکردی کنشگران نسبت به پدیده‌ رابطه‌ فرزندناشویی دارد، در واقع رابطه‌ فرزندناشویی برای این گروه از کنشگران مورد مطالعه، علاوه بر اینکه دارای تمام ابعاد منفی است، نقش کارکردی نیز دارد، چنانکه با تأمین و ارضای آن بخش از نیازهای جنسی و عاطفی زوجین که در رابطه با همسر تأمین آن نیازها مورد غفلت واقع شده، آنها را در رابطه‌ زناشویی نگه می‌دارند. از این رو برخی از مصاحبه‌ شونده‌گان تأکید می‌کنند با وجود اینکه همسر دارند، باز هم می‌خواهند رابطه با دیگری، به غیر از همسر خود را به صورت پنهانی، تجربه کنند و اساساً مقوله‌ اخیر را امر غیراخلاقی نمی‌دانند بلکه معتقدند، در مواقعی می‌تواند کامل‌کننده‌ رابطه‌ فرد با همسرش در زندگی زناشویی و تأمین‌کننده‌ بخشی از نیازهای ارضا نشده از سوی همسر نظیر تولید مثل، خلأ عاطفی و جنسی و نیازهای اقتصادی باشد.

علنی سازی رابطه‌ زناشویی و جدایی نیز پیامد دیگر برقراری رابطه‌ فرزندناشویی دیگری است. آنچه در خانواده‌ دوران مدرنیته از اهمیت زیادی برخوردار است، اعتماد و دموکراسی عاطفی می‌باشد (موریسن، ۲۰۰۶). رابطه‌ فرزندناشویی که در پی تمایل به تجربه‌ عشق برقرار می‌شود، اعتماد میان زوجین را هدف قرار داده و دموکراسی عاطفی را از میان می‌برد، از این رو در صورت علنی‌سازی این رابطه، اعتماد میان زوجین از میان خواهد رفت. در این شرایط زوجین در برابر یکدیگر آسیب‌پذیر می‌شوند (کمالی و اسکندری، ۱۳۹۰؛ چلبی، ۱۳۷۵: ۱۰۱). زیرا به تعبیر گیدنز (۱۳۸۰)، عواطف تقویت‌کننده‌ اعتماد میان زوجین است، بنابراین اگر عواطف از میان رود یا کم رنگ شود، اعتماد میان زوجین، اولین چیزی است که متزلزل خواهد شد. به این صورت کم کم فاصله‌ای در رابطه‌ زناشویی زوجین ایجاد می‌شود، این فاصله از افتراق شروع شده که در طی آن زوجین رابطه‌ خود را با یکدیگر محدود می‌کنند و با بی‌روح شدن رابطه‌ عاطفی (طلاق عاطفی)، محدودیت‌ها و پرهیزهای کلامی و جسمی آنها با یکدیگر ادامه می‌یابد و در نهایت این فاصله رابطه با جدایی و طلاق واقعی موجبات گسست پیوند زناشویی را فراهم می‌آورد (فرهنگی، ۱۳۷۹: ۱۶۷-۱۶۸).

منابع

- استراوس، آنسلم؛ کربین، جولیت (۱۳۹۲). مبانی پژوهش کیفی فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- اکبری، زهرا؛ شفیق آبادی، عبد الله و هنرپروران، نازنین (۱۳۹۰)، مقایسه سبک‌های دلبستگی در مردان متأهل با روابط فرازنشویی، نشریه اندیشه و رفتار، دوره پنجم، شماره ۲۰: ۲۵-۳۰.
- امینی‌ها، آزاده؛ فرح بخش، کیومرث و اسمعیلی، معصومه (۱۳۹۴)، تفحص کیفی در واکنش همسران به افشاری خیانت زناشویی، فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده، سال پنجم، شماره ۳: ۷۲-۹۲.
- ایدر، نبی‌اله؛ مردانی، مرضیه (۱۳۹۵)، بررسی عوامل مرتبط با گرایش مردان متأهل به روابط خارج از چهارچوب زناشویی (نمونه موردی مردان متأهل شهر شیراز)، فصلنامه علمی-پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال ۱۰، شماره ۴: ۱۷۲-۱۴۵.
- آزاد ارمکی، تقی؛ شکوری، علی (۱۳۸۱)، مدرنیته و خانواده تهرانی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره دوم، شماره ۳۰ و ۳۱: ۲۴۵-۲۶۸.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، جامعه شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نشر نی.
- حبیبی عسگرآباد، مجتبی و حاجی حیدری، زهرا (۱۳۹۴)، علل خیانت زناشویی از دیدگاه زوجین جراحعه کننده به دادگاه خانواده: یک مطالعه کیفی، فصلنامه خانواده پژوهی، سال یازدهم، شماره ۴۲: ۱۶۵-۱۸۶.
- حدادی، سپیده؛ انصاری نژاد، نصرالله؛ انصاری نژاد، آقاجانی، طهمورث و خالقی اصفهانی، آتنا (۱۳۹۵)، رابطه عوامل روانی و اجتماعی با نگرش نسبت به بی وفایی زنان و مردان متأهل در شهر تهران، مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، شماره ۵: ۱۳۵-۱۵۲.
- شرف الدین، سید حسین و صالحی زاده، عبد الهادی (۱۳۹۵)، زمینه‌های روابط فرازنشویی در ایران؛ مطالعه موردی شهر تهران، معرفت فرهنگی اجتماعی، سال هفتم، شماره ۳، پیاپی ۲۷: ۱۱۷-۱۳۸.

صادقی فسایی، سهیلا و ملکی پور، زینت (۱۳۹۴)، پیامدهای فاصله در روابط زوجین و استراتژی‌های مواجهه با آن، مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۲۵: ۱-۲۶.

فتحی، منصور؛ فکر آزاد، حسین؛ غفاری، غلامرضا و بوالهیری، جعفر (۱۳۹۲)، عوامل زمینه ساز بی وفایی زناشویی زنان، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سیزدهم، شماره ۵۱: ۱۰۹-۱۳۷.

فرهنگی، علی اکبر (۱۳۷۹)، ارتباطات انسانی، (مبانی) تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا فلیک، اووه (۱۳۹۲)، درآمدی بر تحقیق کیفی، مترجم: هادی جلیلی، تهران: نشر نی. کرمی، جهانگیر؛ زکی یی، علی؛ محمدی، امید و حق شناس، شریفه (۱۳۹۴)، نقش عوامل روانی و اجتماعی در پیشبینی نگرش به روابط خارج از چهارچوب زناشویی در زنان متأهل و ارائه یک مدل براساس عوامل مرتبط، مطالعات اجتماعی- روان شناختی زنان، سال ۱۳، شماره ۳: ۱۲۹-۱۵۲.

کمالی، افسانه؛ اسکندری، لاله (۱۳۹۰)، زنان و اعتماد: مطالعه اعتماد اجتماعی زنان تهران، مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان، سال ۹، شماره ۱: ۹۸-۱۱۸.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲)، جامعه شناسی، محسن ثلاثی، تهران: نشر نی. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰) پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز. محقق نسب، عنایت الله؛ ناظمی، الهام (۱۳۹۴)، تأثیر هویت برمنظر شهرهای ایرانی- اسلامی (گذار از سنت به مدرنیته)، دومین کنفرانس معماری و منظر شهری پایدار. محمدپور، احمد (۱۳۹۰)، روش تحقیق کیفی ضد روش: مراحل و رویه‌های علمی در روش شناسی کیفی، جلد ۲، تهران: نشر جامعه شناسان.

میرمحمدزایی، سیده زهرا؛ ساروخانی، باقر و سرایی، حسن (۱۳۹۵)، جهانی شدن و تحولات جمعیتی خانواده ایرانی، زن و مطالعات خانواده، سال ۹، شماره ۳۵: ۱۱۹-۱۵۴.

Burns, N. & S. K. Grove. (2005), "The Practice of Nursing Research: Conduct, Critique, & Utilization", Saunders Press.

Charmaz, K. & K. Henwood (2007), "Grounded Theory in Psychology". In Handbook of Qualitative Research in Psychology, London: Sage.

Charmaz, K & Liska, L. (2015), "Grounded Theory". The Blackwell Encyclopedia of Sociology.

Fincham, F. D., & May, R. W. (2017), "Infidelity in romantic relationships". Current Opinion in Psychology, 13: 70-74.

- Jeanfreau, M. M. (2009), "A Qualitative Study Investigating the Decision-Making Process of Women's Participation in Marital Infidelity". Kansas State University.
- Marín, R. A., Christensen, A., & Atkins, D. C. (2014), "Infidelity and Behavioral Couple Therapy: Relationship Outcomes over 5 Years Following Therapy". *Couple and Family Psychology: Research and Practice*, 3(1), 1.
- Nowak, N. T., Weisfeld, G. E., Imamoğlu, O., Weisfeld, C. C., Butovskaya, M., & Shen, J. (2014), "Attractiveness and Spousal Infidelity as Predictors of Sexual Fulfillment without the Marriage Partner in Couples from Five Cultures". *Human Ethology Bulletin*, 29: 18-38.
- Previti, D., & Amato, P. R. (2004), "Is Infidelity a Cause or a Consequence of Poor Marital Quality?". *Journal of Social and Personal Relationships*, 21(2): 217-230.
- Ross, C. E., & Mirowsky, J. (1999), "Parental Divorce, Life-course Disruption, and Adult Depression". *Journal of Marriage and the Family*: 1034-1045.
- Strauss, A., & Corbin, J. (1994), *Grounded Theory Methodology: An overview*. in N. K. Denzin & Y. S. Lincoln (Eds.), *Handbook of Qualitative Research* : 273–285, London:Sage Publications.